***	اول املاح انتصادى	شیاره ۱۱۳	سلل الول	
۲۸ ذیبجة الحرام ۱۳۴۱ (۱۲) اوت ۱۹۲۲				
این روز قدامه بدون اقاشای کتبی بسرای کس ارسال قدیشود		صاحب امتیاز و مدیر مسئول : داور		
الأسلم المحاد المحاد المحاد المتراك فالمحاد المحاد المحاد المحاد المحاد المحاد المحاد المحاد المحاد المحاد المح		فيرمت المحسب الانات		
الماليانة المعدمة المعامة المعامة المعادية المعادية المعادية المعادية المعادية المعادية المعادية المعادية المعا		مفحه اول ساری ۲۰ قران سفحه دوم و سوم ۲۰ ۲۰ مقحه چهارم ۲۰ ۲۰ ۲۰ ۲۰		
داخله ۱۰۰ قران ۵۰ قران ۲۰ قران خارجه إملاره اجرت پست		منامل و قوم		
قرمت الد شیاره ۵ عامی است المحمد محمد الم		محل اداره : طهران خيابان لاله زار ــ كوچه المحاديه		
	هر موقع جنك دول مخاصهم ادارات	کار خانه را در ایران وارد کنم ۰ فورزیشها	از المائل افتصادی	
لو اخانه نظامی حاضر است	بسیار وسیعی بزرا می جاسوس المعیس کرد .	خواهد آفت صحه ملضرر خواهید شد ا		
که اجزاء ممتاد به ارباک ادارات مولتی اسم از لذکری و کنوری را بعلو کنترات 🕺	بودند جاسوسها مامور بودةد اطلاعات خود	جرا ۲ دلاناش زیاد است - مرا ۲	مكنوبمهم	
و النزام در مدت قابل از مسمو میت افبون خلاص نیاید. امر: اعلان ۱۹۷	را با مرکب های محصوصی کے کہ در حالت حادی - غیر مرتبی آست مثلا دربین خطوط	بقيه دارد	داور عزیزم در روز نامه هنتماسد.	
	می اسلات مدولی بنویسند و یوسایل عکت۔»	لى تامىئات	در یاد داشت بومبه - استشهاد از طلم بزراد اقتصاد (لر روا ی-ولیر) اموده بودی که	
که کمام مشافرین ایرانی اعم از نجار و	به مراکز خود برساند . در سرخدات	🖬 🖉 🖉 Alternation 💏 El cara de la companya de	ال کی کرید : ۲۰ د ۲۰۰۰ (۲۰۰۰ م ۲۰۰۰)	
محصمين در ۲ دمانين مطلب را رمانش داشله	نیام کاغذ هارا سیانسور می کردند نے جه کاغذ بستی جه کاغذی که در نزد اشخاص	جکوله طرق علمی منتشین را قادر به کشب م ساند	ه این که ص کس در خانه خود مختار	
	واند ایسی خود ماندی که در مرد اشاه س یافت میشد . همین که شیخص ،فلنون واقع		احت لے این حرف را دول اردوبا قبو ل است لیفواہند کرد . پیقیدہ آلھا مردم یک محلکت	
کامل ندانسته و حرکت نگنند جشن در ضفا فت آلمان	مَى شد - كاغذهايش وا به لايرالوار "م	لقلب در اساد و قباله جات بھے ق	وسيع بر لدتي جق لدارند ثر وت هاي	
ورز کذشته بساسیت عبد ج. بوری ، ای اسکندری از طر ف آ قای رئیس الوزراء	فرستادند ، تجزیه فبزیکی یا شیمهائی نشأن	از جنابت هائی است که پدیخانه همه با	طبيعي خاله خود را از جابعه بشريت دريخ	
المان در عمارت بيلاق سفارت مودن بيا احداد خلف أنجام اين قبيل أمور را بعه	مبداد جه دوالی باید استمیال کرد تاخطوط خود مرثی ظاهر شود .	زياد إفاق مبافلد -		
شکومی کرقسته شد اتایان وزراء و آتای معزی الیه عول فرمودند	راجع به لوشلجانی که کاغذ ساز ما	بسخی اوقات کایائی را حک می کند. میارات یا جملات یا حروض وا حمدف	،نایم ثروت مرملتی که بعکم به اسپایی و بطالت قادر به استفاده از ذخالس طبعی	
رايس الوزراعت في ساعت بعد از ظهر عضور	جل می کند ۵ و خط خود را گذیر	و انابه من المايند ساك قست إز خسل	علکن شروش نبست حق مال یا کسف این	
بهمرسالیده و عدمزیادی آز محتردین وروسای و حضر و شروع بکلو کردند	داده و شببه به بسی اشخاص می توبسند	را می شویند وسعو می کند ـ پسنی اک	دایا است و این میکند ماند و می و د	
ادارات هم پدیدن رفتند ـ هدت بعد از ظهر مجلس جدن خالبه افد.	- امروز مثل سایق پرای کنت اتلب:بکر از شکل حروف استمداد این کنند زیراهلیا	ها در دوی مند ایج میں تند — امیار	مع والى هنوز المن سلب داغله ديده مع مد	
Contraction of the second s	کاغذ ساز شکل حروف را ثنیو داده .	میلی یک پاییاسناد میزندیم ، خلاسه بلی یک پیغـواهید این کلب شعب زیاد	چندر این مللب صمیح و در موردایهان مادوار و ا	
بحصه، و يسب هرو مومين المبار	در این مورد - چیزی که اهل نی	دارد. دارد- ا	هادیارت ۱ امربز زنددگانی طوری است ۵۰ نسلم	
از طرف وزارت مالیه به بانک فاهنسامی از مراب فسل ایمان خشوسا در فویسندکی	عمل دقت قرارمی دهندهارت است ازنوازی	امولی کا سنوات آخر برای کفت	عالله الم مثل حلقه های زلیم به جم مهبوط	
توشعه شد میلنم یکسد و بیست مزادنونان و خدمانی که در این دو سال آخر پهالم به خواله وزارت دربار اعظم بردازند	حروف صودی یا ملمایل - خواسل پسین کلمات - سرهم اوشان پیغین حروف- اندازه	أين فوع كلب يكار من جردته تبتدان علمي	and the second	
	کثیده ها و غوه برای اشخیس لکه های خون – ادیز	قبود - درنامهنات باریس وللمن از ایتراه	وقتی بود که چین باطه دیوار دور خود کلید و با سایر ملل قطع وو ایط کرد -	
		خِط علی زیاد قمودند ، ولی از ایتسدای هرن حاضر من جدیدی 4 که اساس آن بر	ان آنو البلا كنايه بول شود ، امروز	
از وزارت ماليه يوزارت خارجه نوشته شد انتخاب ايراز كنبم 4 يسفار نشانه حامی ايران ۵۰ بم اندن – ما يقبن داريم اين عنصر فعال در وسيدگي	، دادن خود اشخاص غطف گرق کدردن در ادر از ا	مون عاصر من جدیدی ۲ ۹ اساس ازیر ملوم طیبی است - اخراع کرد، الد .	بنيز ابره مل اب .	
بايماريس من ايرما مدر مسر - ما يور مردم بيش از اليه مسر مارد مرده . بريس - بدان - منكو سر واشكن مد ايور مردم بيش از اليه مسور ميرود	بین خون انسان و خون حیوانات اسول و طریق معین در احتحنوان (اسیکتروکر افی)	(interest S.) is in land there a	ولم عالك مام يدكديكر معاج الد ، ومدون	
دحلور بدمند كه بستنى اوراق و شوله ما براى آقاى رئيس الوزراء ممك غواهند	ومنع شده که جون محتسا بچ بسه تون بعات	کوينه د	جهرم، شورة (شیلی) کر غله جاتارویا مسئل من مالند - بهبون بنیه مسر کارگران	
و اظامنامهای احما تبه موالی و بلدی را اود .	مقدمالی و الدِکر بعض او مماثل فیزیدی	فرض کنید دست نوی قباله ای بردند -	الکلیس و امریکا از ترسنی خواهند مرد و	
	است - ولااقل جوار بنے مقاله منشود -	بك يا جند كلمه بر آن اشافه كردند. جمين كه في الجعسة غلبي حاصيل شد -	قمر اطبيدًا • • •	
هم جنبن سورت کتب و نشریالی را که داجم امروز والا حدرت اقدس ولایصه بد	برای آله ازدیکی فخیره می آنیم . در اما	بالداز، طول ياك كندم از منز، قياله را	امروز تناون اقامادی مالم بی ازلوازم	
باحسائیه یطبع مهرسد واپرات دهند به ترتبی که قبلا منین شده بیساغ سردار مند اداری	مديق أعلم	می شویند - راك و مركبی که باین طریق	حوی زندنانی است · وانطورکا شرطکامرالی هرخانوادهای اینیت که م، یک از اجنا بش	
بروز احدامات معتم نقل مکان می امایند و پس از چند سیح روز جمه عده کتبری ازکاسب روز ارقف بطرف آذربایسان حرکت خواهند		بدست امد در لإبرالوار تلجزيه مم كنسند	کر کاد کند و جانبچه بکننر از آنها استکان کاد کند و جانبچه بکننر از آنها استکان	
و فاجر و غیره در منجد شاه جم شده ا فرمود.	احیا رستحری	و بطور الحقيق أجزاء أن مركب را بهدا	بیموه او را مجزوو بکار خواهند کرد - هان	
	هيت وزواء	م کناد و ور - هین عمل را اسیت به مسلمار - کا مظنون است تحدید میکنند.	طور اگر ملتی تواید ترزت فکند و تنبلی	
بلوا (فای خالسسی زاده لطق معملی مبنی بر کوصبه و ملالت مردم بهتسانت و حنظ بر کوصبه و ملالت مردم بهتسانت و حنظ	روز كذنته هبئت وزراء يطور فوقالهماده	مقاسة للأنجر كالمن اكبيه فلست من	و بی قبدی ا بشه خود سازد ملل دیار او	

افت تقلبل بودجه يأفت ا جون بودجه اداره يست متسداركان الذل المعميل مخارجيكم بسراى العصبل اولاد و المفال مستخدبين جزء و إجز اء متوفى أداره يست يرداخته مبشد ازبردجه

not fill the start of

روز كذئته كربته أستبازات بنا بوه المكيل شود يواسطه غدم حضور يسنى از اعضاء تشكيل المرديد ووز سه شنبه قيدل از ظهر بطور فرق السادة تشكيل خواهد

إمروز شاهزاده تسرك الشلطنه برای املاح مراج بفرتك ممافرت من تمايند. كمته أ.تبازات

بر توسيه و ملالت شرهم بمتسالت و حنظ التظام أموده مدس لايحمه كه قيبلا لرلبب شده بود خلاب بعموم ملل ر دول تا لم قرائت محرديده از سياست أنكليس إظهار الفر المودقد سيس جميت از مسجعد شهاه حرکت کرده با جان مطالقی که بانها توسیه شده پود از خوابان علام الدوله حرکت کرده در خلو هن سفادت خانه که میرسیدند لایحه فوق الدحكر را قرائت و از العار دولت انکلیس اظہار شکا بت می دمودند و بك اسخه از آن لايحه را هم بسفارت اسليم مى تمودند بهمين كركيب يعموم مفارت خانها غير از مفارت خانه انكليس رفته مراجت

آت وزراء يطرون فوقالماد. متأسيت كثريفي فرمائي والا حضرت إقدس ولايت عهد در صاحبةرأليه لدكابل كرديد در عوش امروز جاسه در شهر الشعبكيل منم ورود بدون اجازه سفارت مسكو يوزارت أمور خارجه وايرت میدهد دولت آلمان غدفن اکد نمودماست كه مسافرين يدون لحسب ل اجازه بخاله آلمان وارد لشواد ولى ظلبا ديده مبشود که محصلین و محمار ایرانی تقیمین آذ بایسان ر بلان - خراسان · از ژا، مسکو_بهسمت T ليان عز ومت مينما بندو حون إجازه قيابنده كان آلبان را ندارند در سکو دارز متشده المرتوالند عيور المايند إذا بر ابن لأزماست بمسجد شاه الدودند المراجع المراجع المدالسته عذف كرديد المراجع المراجع and a the state of the state of the state of

مسمعی - ۵ معدون است تجدید میدند. مقایسه تلاینجی که یابن ترکیب پیدست مسی آوراد شان می دهد که ایا مین شد و علمه ای که میکریندهلاو، شده از ال میک است باله. بالبدامه اس از بك مرك لياعد - معلوم مبشود أضافه كرده إند . پرای خوالدن سطوري که رويش خط کثید. اند و لا بترء است الوان مخصوصی بال قسمت من مالتسد و از ان سط ور حکس پر میدارند . در روی عکس کنترین اختلاف رالم ظاهي ميشود و خواندن متن اسان مبکردد . اكر كلمة وا فراشيده باشدد .. در نقبه محكوك قدرى (سولفور دا،وابوم) میمالند و قورا مرکب سیام اشکار میشود ـ فلمه خك شده خوانا مبدود .

کرنیب که یسکی از آن ملسل بر آن ملت أنتهل مسلط مميثود واختيار امورش رادست مهكج دوساير مال هبج باين نجاو راعتراض ند بكنند ارى براى بولىداروت چە بايدكود اچكونه مي توان ټايل په توليد تروت کرديد اچه عَلَى بَا وا از رَسِيدِن بَابِن مَنْظُورٍ كَا يَحْالُ المز داشته البله من مالعوام با منطق و-مسئله را حل لمبكنم . من تبيكويم المعير ازاجالياست ، اين حرف معنى الداده أجالب الأراحة أجا عملته الدادمهجا الأدام مركلته • جرا ممذلك سايرين جلو افتاده إلدا الجماب تنبد ا بروبد أز بك متجسمي مروال كنيد الميكونيد من من خواهم قلان

را مجبور بكار خواهند تمود ، جهاور ايساين

Y anis

التماهرود يقدر جهار متأزوهتتسدا والخوردة وأى داشله و اكتسريت وا يرده الد آقاى مؤبدالدوله اباكت استرآباه أمروز واردسمنان شده قردا يطرفشاهرود حرصكت خواهند

خرمن آتش وده اند

لمود بد اجر با بد اجر و د

کایابکان - دیشپدو مة خرمن کندممتعلق به نصرت الله قود جالى را آلش زده السد معظم السلطان آش زده الد عجالة الدام ك به عمل آمده بكدفر آدم إلى غرش أمين أوَّ طَرف خُود سه تَمْر هُمَ أَوْ طَرف أَدَاره ماابه و قشونی وعدایه بهجهـته معاینه و رمیدکی محلی یہ قود جان فرستادہ ا^{ید} یس از کشف قضیه و دستگیری مظنونین نتیجه وأ يعرض خواهم رسائيد ... اللدار اعلان

الماین ال میرزا علی محمد خان کایب المكومة قابن إماموريت امرفه دادن وراى گرفتن و نمبين وكيل قاين از يبرجند وإرد قابن و از فردا متدول رای کرفتن خواهد شد از طرف حالومتن هم أعلان أنلخا بات ci attac Zee ite المصن از زيادي بالبات معهد - دو روز است ساف فعار ر مسجد كوهر شاء منحصن اززياديما لباكي از آلما المالية ميتودشا كمج متنا مقصودشان این است پس از وضع مخارجی کمپنمایند ز قیپل خربد آب و خاله و انهرت عمله غيره عفريه وا أز منافع دريافت تسايند هُ أوْ عَيْنَ جُنَّسَ أَبْالَ جَلَيْلَهُ وَ أَدَارَهُمَا أَبِهُ مقدرل مذأكره حستند كه حضرات رامتقاعه وأز لمحصن خارج لعابنه وسي ا سزای نبت سوء

قزوین ا دو رو زقبل سه چهار نفر جوان بالزده شالزده البا يك المر بجه ده دوازده ساله بخوال سوئي ميروند به باغسفان در ین اثا بگندر خوان عیاس کام در عیور تمادف مرائدان بهجة او را مي شناسدفرياد ميكد مما ازدست اين ها أجات بدمعياس

جلو آمده که بنجه را لمجات بدهد مرتکین در كال أجرى طرف ميشوند جون أأنجوان الها بوده خودرامتلوب عنى ببند با جاتو بلكى زد و خورد دیکذارد انفاقا با جانو به بهلوی یکی از جوالها میزندگ فورا مبافتد-ایرین فرار كرده شأرب هم قرار ميكنسد ديبروز مارب را در جاده طهران دستکم کردهبشهن مياوراد

للكراف أزهمدان مستني مقام منبع حضرت إشرف آقاىرابس

الوزراء دامت شو که · روبه مرد آزاد معضرات آیات ا ت ادام الله أنه الى ظل إلههم وارد در أها لى حيجان فوق الماده تعطيل عمو مى تموده أنجه داءبأن خواستبم أنها راسات آنهم فايده تصحرده استدعاى علاج فورى داريم جلوكرى يبش ازاينازداعبان غرتمكن على زمنوى داعى جدفر رمنوى احقر محسد رضوى حاج آقا رضا عبدالوهاب رموی چې د بارې د ب المجبه مهدآ زاد مقام عترم رياست وزراء مظام دامت شوكتهم معادة والم دبروز وجود میآراد حضرات آیات۔ قة و حجج الاللام اعتاب مقدسه دام ظلهم يقدوم ميارك يقده طبيه حمدان رأ وشك آرم الجه پرین فردودند 👘 جشم كمام ايرانيانمموما وماتحدان خموصا روشن در این موقع از مبت عترم دولت ما اسلاف حمدان كوقع كبربك ماتعه باشيم يا أتتظاو نعزيت والسلبت اليه بإبن كسيقيتكم این دوات مقدسه از جوار الد. مدی سلام آقة عليهم هجر ت فرموده أند جاى حزاران أفدوس است وكمام كسبه واسناف حمدان دکاکین را تسلبل و از حیشت محترم ولت حوَّالٌ مَنْ كَلَيْمِ أَكَانِفُ مَا مُسْلَمِينَ وَا معين فرمايند آين سوء رفتار بأ نواب عاسه اعليحضرت أمام زمانارو إحتافداء مطايق باجه

قالونبوده وجيراناوجه لحوطو إهدشد الظبف الهمى مسلمين محموما در جربران أبن قضيسة فجيمه مولم معلوم تشود لا تزبر إز العابل لليجه لمطبل وخامت عاقبت خواهد بود التظر داريم هي جه زود آن جواب قطى مرحت شود از طرف جمعت دباغ وسمسار ر بزاز و نیم دار فروش علی اکبر خباز حاجی رضا و حاجی رحیم و آقای آقا سېد هادې 👘 🕴 ۲۰۰۰ کې

بقبه أزشماره قبل

مَ دُ 🖌 زاد 👘

اخارفارهه يېج، جنگ - ژاو - یك عده متخصص چرای کمیدن مقدرات اشخاصی که در نتیجه جنك ناقص إلاعضا شده اند در ژاو حضور یهمرسانیده و ادارهٔ بین المللی این را پرت مقدما کی کہیہ و کقد ہم متحصصین مشریوز نمود. و در ضمن آ ن اشعار داشته است بموجب دلائل متقنه كمداد اشعاص القص لاعضا در نمام جهان با انع پر بیست کرور نفر أست و از این حده ۲۰۰۰ ۷۶ د۷ بفر در مالك مهمه متحام حقوق تقاعدى دربامت میدارند و منعیل آن از اینقرار

. در آلیان ۷۰۰ ۷۷۰۰ ۱ الحرانية المراجعة مرجع الرا درانکاستان _ ے در ایطالی ۔ 1. ¥¥07... در ووسية ــ 11.,... در بازيك -10V, ... در امريكا - 🗧 كالا دا ولبوز بلاند - • • • ر ٢ 17.... در استرالی -درامريكا

نخستین کار رئیس جهوری جدید (كولېچ) اين بود كه جمه يسې روزگشېع جنازه (هاردایك) را دوز سوكوارى الى آءلام تموده واظهار كرده راست كه إعشراء حيڪنوني دوائر دولق يطور غير محمدود

قساره ۱۱۴

سوم راپرت سه ماهه رثبس كل مالبه أبران

سد جاجمرود. بابك مخارجي كه كملر أز بنج هزار لومان است سد جاجرود المعي مستحکم شده یا اینکه امسال هجوم سیل از سا لهای قبل بهرانب شدید آر بوده آین سد اولین دفعه ایست که در تار بخسجه خود توااهه آست در مقهایل اطمات سال مقاومت امأيد

سد لوك یا وجود اینکه برای بستن سد آلوك دو هزار تومان بر آورد شده یودیایك خرج هشتصد و پنجاء نومان سد مزبور پسته شد آب رود خانه جاجرود بواسطه جدیت و نظارت دقیق که از جانب آمین ما لبه و میآشر رود خانه بعمل آمد، ات عابدات قروش آب در هذ.اله، تا کنون به بیست هزار تومان رسیده در صورای که سال کندند اا این ایام پیش از عاارده حزار و پالسدارمان عابدی قدإشقه است مال ت حساى غيش مستقيم ايسالت تموسران شعبه تحديسد اسلاحاى دركمكبلات

تحديد در حال جربان است و تقابيح مفيده آن إدارل تكثير مايدات از حالا هويدا استدر قَسمت أول مه ساعة حاليه عايدات تحديد كة من بيا بياهي له هزار أخومان للدليل يافت علت اين يوده كه اعليار كجار مقطوع كرديده و در تقبيجه آن طبقات اجسار متفول فروش مال المتجاره هاى،وجومه شده و از بالدرل كردن لريك جديد خود دارى كرمند آبن تقابل موقعي يود و خلا بك لكثير قابل اوجهن در عابدات برج جارى از قرار حساب يتبلغ ٢٥ هزار الومان خواهد رسبد المجام المراجع الم عايسدات تحسديسد قررا مين مايدات تحديد بلوك ورامين دومقابل سال كذشته خواحد بود كما حال ممادل من هزار كومان اشافه عايدات داشته اين كليجه مستحسن بواسطه مين مالیه محل پدست امده در صورایکه مخارج را خم سی در صد تللیل داده است.

بر سُنْل بِك أمر أز أجزاء يوردها أخللاس متفصل مستحدديد دو فنر ديكران بعمان خرم معجومن شده الد يك فتر از اجزاء بواسله جرم عدم اماعت از خدمت مملق شده است يتيع الذ هم يواسطه اركداء از كار اخراج شده الد جمار شر ديكر بوا سطه جرم هماي متنوع از قبيل اين كه مر امر اللحايات مداخله حرد. و محل اطمينان البوده إيد خلفيل كرديده يك نغر أز أجراء إوا-طه إينكم مداخله در أمر لتلخايات لمودة مملق أست علادوه ار دو اهر از اجراء خیاز خاله مسته بواسطه اختلاس دست کمر شد. اند جیما ۳۹ فدر در صفت این سنه ماه از خدمت منفسل شده اند در مقابل قنط بلك المر داخل خدمت شده و شغل سايسر منفصلين بهن اجسزاء ديكسر أدور ات المسبم بلغه تتليلخالس كه در فهرست حقوق عايد شخه است در سال يسبلغ ٤ ٤ ٥ ٧٧ كومان بالغ بیشرفتی که برای این ادارات در مدت این شدماه در تحت تظاره امریکاتیها حاصل شده عمد، مياشد و نتابج انيتهن داريم در عايدات سال جاري ميرهن خواهد كرديد ، مايلم جلب لوجه موضوص تسبت يه عمليات رؤساى ابدرالمي ابن اداده بسايم زيرا يدون موافقت صميمي آلها كاري البجام بذير اس شد

> نهساده از میان داد و فریاد هسای ۲۰۰ افر آزان و مسبو کالی مار فرار بردم الملمى الذن المسر خبلى قشاك سحالا شيا الكاس كارى داريد لویسن کفت : ۔ بلی بلک کار حاک جزوی اما پارن امیل وال وا فراموش کردم

هلمس کفت : _ او از همه چیز خسر داردا لوبن آفت : - آ. جه پلای بزرگ اگر دو اروژ سَبَر کرده پودی من جراغ و جـواههات را م فرستادم والممي كذاشتم والقدر غم واغصهدريك الجانواده انجيبي كوليد شـود ابن خالواده را من حمايت مي کرلام و او نقفه های مرا خراب کردی 📲 📾 هلمس کفت : _یه معلوم مېشود لو پن کاره کې خوب هم ک کڼې الوين كامت :--كاهى كادستمبر سدهماش اكادزدى المهدود رة من مبدائم أين واقمه اشلهبديدكانا يثاناوردماست ا الحلمس کامت : - برای جه برای ماد موازل . • ماد موازل عکن نبود انجا بداند زبرا کام مار او را بدأ م كردو آ اوقت كم كمعادام أمد لوال هم كير م إفتاد لوين تَخْتُ : - راست است منهم يا شيا هم عقبده امدربن ضمن دو نفر از جلوی لوین و هلمس گذشتند

یرلوین به هنمس کهت : 🚊 اینها رامی شناسی ۱ علمن كفت : - بلى يكي فرمانده كختلي است آلديكر هم مسيدو أوسيتن زيات إست كه رقبس كودال كالمع أست أما همبشه من لوين مؤدمهروف و تامینات لندن و مقام مسبو دو دوری را درباریس مارد لوین کفت : - خلیلی ممنون میشوم اکس مرا ایش او معرفی کای هلمس دست لوین را کرفته برد ولی چنسان می فشیرد که اسآخابههای او در کوشت ه متن ينهان شد لوين هم دست ماد موازل را هلمس کفت جاد موازل قایده ای ادارد مسرق بشدود لویسن مى كمتجر إوعامل مم وقاح جراغ بهودى ودماست ابن ماد موازل هم همکار ارسن لوین و هم همکاربر سن بود. است و این خیلی قابل اوجه است العامس که مایل آیود دست لوین را رها کارد

لوین هم دست باد موازل را و مدای هر سه افر آساکت در مقابل هم ایستاده فکر میکردند .

1. J. 🖌 🖌 🖓 🖓 بعد أز سكوت ارسن لوين رو بة هلمس كرد. غت من و او هاج وقت باهمر فبق كامل لمهدو يم يك كودالى

ا او که آ ن طرف واقع شده ای م توالیم سلام رَيْيِم مَحْبَت رَسَلْبِمَ أَمَا نَزْدِيكَ بَهُم مَنْ نُوالَبُم بِعُوبَم او شرلوك علمس يأبس همتيمن بواسطه إقداماني ك م کنم و ام کدارم او با سراری که حکرده ام پی بجری پریش او می خدم . . . و شروع کرد یقاه قاء خندیدن آ نوقت بدون آ نکه منتظر جواب هدمس شوه يعاد موأرل كنفت ت مادموازل خاطر جع باشيد كه کمی را که آوسن لوین دوست داشت و حایت کرد بار خبانت قمي كند بيسانيد ابن فسفه كارت من است وقق بانکلیس میروی شانه گیدی استرلک وا می پرسی خمه بتو نمان مدهند در خانه اش ابن نصفه کارت را نشان می دهی و بلو مهکوشی : یارکار و رفا 🗕 همین در کار لېدى مال خواھر خان لتار او خواھد شد

🖉 مادهوازل كمت ؟ 🗕 تشكر الل كمنم فدردا میروم و همین کار وا می کستم . 👘 ۲۰۰۰ میرو · به لوین مثل کسی که کمام کار های خود را ألجام داده أست يروى ايمكت دراز بدراز خوايهمده میان من و او قاصله است از این طرف که من هستم کمنت سیكساعت دیگردر راهیمباید غنیمت شمردو خوابید

and the ******• Carter . ر] سمان ساف شده ماه در اقبانوس می بایان هوا مائند زورق کم آرام آرام بسمت ساحل آ بد کا بندی می نمود و روشنالی خیره کسند خود را بروی امواج آب دریا نداختهمزار از قر م ما،دردل آب منمکس می ساخت هامس ازد مربو ژیلت رئیس گامینات علکت خود رفت و لوین ماغ در زوی ایسکت خوابیده بود - 10-0

أينجا كقاب آرسن لوبن اءام شد اولا بايداظهار املنان و الدرشناسي از ممقلم غزيز آقاي مرزا السراله خان فلسفى بتمايمكه بك جندسفجه از إيتداى اينكاب راارجمه فرمودند استار ملارم بالتشريه التريا

درآاتی آئر خطاو لعزش هائی در ترجعه پیش آمده اراب تعذلو دانش افطراغت م از آن درخواهند کمیت همین قدر افتخار بنده در ابن است که بعض قسمتهای آن وا استاد و آموز کار اجل من آقای صديق اعلم لحسين كردهوند المجدعات كالماثوان الم مرجوم عتشمالدوله

Y anis

أجريان التخابأت

والى إيال خراسان ووزارت دأخله رابهرت مهدهد كه درنمام ولايات خراساناس وتلمغاً وات در جروان الت و راورت قدامات خودشان را متعلايها خواهند فرسلأداللجمن اللارت شهر مشهد هم تشكيل كرديدمشقول كوزيع لمرفه خواهند شد و ازسعتجريان كلى أمر الثخايات كاملا ملمأن يأشيد مغلش فارس

اقای مثیر المطان بوزا رت داخله رایرت مبدهد که پس از ورودیفارس مفدول تحقبق و رمبعه کی بشکایات ازجریان انتخابات عده و برای جریان انتخا بأت هم ۱۲ جد روز ديكر اقدام قموده رايرت آارا الديم

المالة بل لتكول الد الما جاد مد ارم ۱۱۱ بین بينى هده يود زوز كذشته الجمن نظارت مرازى بواسطه عدم حضور آقاى امين الملك محکول تکردید ولی پسنی از اعضا حضور يهمر سائيده قراو دادند امروز كابه اعتساء ساسر هولد کا پام التخابات خالمه داد . شود و ابز مذا سره شد که معلسرسین المنابت را دموت اما بنددلايل قانونسي عوه وا كا ير عدم سحت جريان التمنايات 🔶 فراد من الله مهرفد اظهار کیابند ترکیع رتبه

آتلى مين السلنه با وليه رياست يو اداره الليش كل وزار ت ماليه فعدرل خمت فدلد منشى اول تناعزاد هد مبرزا خبروالى عضو سايق

قصقهم بايدات يا ركبه شم اولى در ادار. كل الماليات غير مستقيس مشدول خدمت تكميل عده ازرزارت ماليه يوزارت جنك ترشته شده بيست المر بياده بدراى الكبيل عسده فالميان أمارة خالصيات كل إماليات اعزام أمايته كما عده مامورين اجرا الكميل شود انتخابات ساوجبلاغ

تشر بشکالی که در موضوع اللخایات

🗟 آمرد آزادگ 🗄

ساو خبولاغ به إدارة حكومت لهدران رشيده

بود آقاى ملدورا لسلطان رئيس كابينة حكومتى

sto !

اى لغتيش باطرف ساوج يلاغ حدك

انتخابات غار و فشافویه

کهپمایوتی باحضور حکومت طهران و غضوبت

حاكم حضرت عبدالمظلم وأعضاى المجمس غارو

فتافوبه براى آجديد أخذ أراء فبروز الجد

دزد شاختن خطراك است

شهزادی و ایکمر دیگر برای سرقت اسفانه

يكافرز أي كه شوهرش به دو اب رفته ميرو ند ودر

سه شب متوالى يقددو حزار الومان أشيساء

سرقت مي كنده شب جهارم مجددا بان خاله

امده مقداری اشباء بر مبدارند در عبن

برون رفتن ضعيفه يبدار شده و به عيا س

میکوید من شما را شناختم عباس سیرود

اشداء مسروقه را در راه اب پنهان میکند

وپر میگرد د ضعیفه ر ا خفه و یا رفیندش

د درارت و ترقیف ک

الحاجي ملا على تماجر كوانابادي يقربه سه لو

که از قراء سرا کوه است برای خرید کریائے

رفته میرزا غلامهنای کد خدا با دو نفردیگر

بمنزل او رفلهوكتك زيادى بو زده اند

ما،ورین حکومت از قضیه مطلع شده میرزا

غلامهنا را دستکم و ملا علی را برای

ی طبیب جهت دزداب س

ال از وزارت درخه به مجلس حفظالمحم

وشقه غد كه با داره صحبه خراسان دستور

بدهاسد يك أشر طيب براى محسبة دزداب

منام المايند المراجع المراجع المراجع

تكذبب شرارت

ضينم الهالك رثين سأخلو شيروان إ

معالجه به كوتاباد قرستاداد

يدوجب اطلامي کم از کوناباد رسیده

از شمنان إطلاع مبدهند عياس تسام

لتكبل خواهد يافت والمراجع

روز شبه شاینه در وزار ت داخله

وزارت داخله اطلاع میدهد وایورای که دی نصوص اجديدشرارت ساطان ببك اوغارى به آن وزارت غانه رسيد، احت جدا نكذب مُبِكَمْ سَالْمَانَ بِيْكَ أَيْداً شَرَارَتْنَ الْكَرْدَهُ وَ وراى اليات مدما معار اليه أز باجكيران احضار شد که پشیروان بهاید

حکومت و عدایه اشتی کردند

در المقيب شكابق محصه مدمى المموم قرجان از حکومت قوجت نموده بود از ط ف وزآرت داخله دستور داد. شده بودکه کمبدیوای از کلیه روسای ادارات اشکیل فضهبه رأ احقبق اليابنسد أينك إموجب رايورای کے از حکومت رسېده در الابجه كمسبون بين حكومت وأمدعي المموم إسلاح شد، است 🖓 🖓 حركت بهمدان أقاى حاجى شبخ المراقين عراقى وز کذشته از طریق شرافی برای پیشواز آقایان خجج الملام با الوميبل بهمدان رفلند

And And States به احار واطر اجماع در مدرسه داه

كاشان - بمناسيت قضيه علماء بين النهرين اء و اجار و اهالی کاتان دیر وز ا بمعال درمدوسه شاء أجتياعو فاطلين المتهاى مهبجي أير ازمينمايند اجماع در تلکر افخانه

هدان - بازار ها عموماً تطيل و لمام طية أت مردم از دخام غريبي در حضور بيارك حجج اسلام تموده و جسيت زيادى در الكرافخانة آمده كاكرافات يدولت لموده البيعة اقدامات وأخواستارند با ايتكهراى فع السلبل و حلو کیری از حبجان و ومعام مردم أقدامات شد. معهدا در مقال حساسات اهالى هيج اقدامي وتسر اعده حضرات آيات دامت بركانهم ينا الله ظهر عصروادر مسجد جامع تشريف بيراد هن جەزود اراقدامات،ۋارى لازم است كا خداى

المخواستة الوايد يك زحاني قدود بهمعذرت (كاية بازارودكا سين وا يسلة الطهل عمومس حبيلة إلارالم آتاي شعر ستاني بواسطهقنار الموده الد و از دحام دیروز مردم کسالتی حارض وضلا اسلراحت فرموده الد بایگوت آمنعه خارجه

زنىجان - أقايان علماء و كجار كسيه مسجد إجتماع لموده أند خبر حدركت مجج اللام أز كرمانداه به قمه،جانىكوليد ودمواز طرف بسنى لجار غريدو فروش بسنى الملمه خارج-، را بين خرودشان موقحوف کسلیل ازار 👘 قم - خدر حركت كشريف ف-ر مالسي أقايان حجج الملام بوايد احساسات هبجا ن قرق الماده درقلوب إعالى نموده و أزامروز

ابه غطیل عبرمی زلجان - أبروزيازار ما يتحولهايل عمومي المودة الد إقابان هلماء و كجار و هم در مسجد اجتماع هيجان از إنها رابد عذه است 👘 🐨 جلى براي اللهابات قربان - با مذا راتشجلی دبروز سه راجع بانتخابات قرار شد أعلالي مر يبست وهنلم متتدر كرده واز ووز جهامهم هرم مديرل دادن كمرفه هواف آراء جندق منان _ از قرار م_موع در جندق یکهزار جهارده امرفه الوزيع هده اين مو روزة بمبه از آلجاوارد و استخراج کردیدمسابقا ولاحقا يراعه وكالت صدوالادبا رثبي عدليه

> السن لوپن مجادله با (شرلوك هلمس) 🕙 كالهف موريس ليلان

الرجعة : عبد على - كلشاليان خلاصه بسکی از مسافرین که مشغول قدم زدن بود ترديك ان ديكرى كه روى ليمكني تشمته يود ايستاده با دقت باو آلماه كرده و كلمت : - مَنْ كما نْ مَيْكُرْدُم اشيا خواييده أيدا ماد أموازل أيكامر ماري الأراك ال محمَّى كان : - له مديو علمي أن خوابم Set in the المي پرد من فكر ميكنم 🐑 ا حلمس کار : _ فکر خدرا می کنی مکن

است از شما سؤال تمود ا مر ا ماد موازل كفت : _ من همه فكرم إ_ه مادام امیل وا ل است پیچساره خپل خدکمین بود جانس در المرض خلر احت 🗧 🌾 👘 😳 👘 👘 الم الله علمي كَانَتَ : - له خَبْرَ خَطَائُهُمْ كَمَ أو كَرْدُهُ قابل منو است مادوقتی هم که ما از طاله بیرون م امديمهارها ميل وال قسم اديكري ايزاش تكارى كرد

هم مودو مادام بيجاره در رتبع مهما قد ﴿ هَلَمُنَّ كُمْتُ: ٢٠ لَوَ خَمِلُي أَ وَ ٦ أَدَوَسُتَمَعِدُارِي ماد موازل کنت : ب پسپار و همین علت بنود که من مر مقابل چشهای او قدرت ایسم ببدا کرد. يَرَوْدَى أَقَرَارَ أَكَرُدُم - عَلَاوَهُ حَالًا هُمْ جُونَ مَن أَ-4 خويش دارم، قوم ازين مفارقت خيلى يــ بخت مختوم. خلمس که از این غصه اندوهکین شده بود به ار موازل کامت : لـ شما دوست های خوب خواهبسد داشت خصه الخوريد و و من روايط خومي يا اشخاص بزرك دارم دو باره شمأ وا مى براند 👘 ماد موازل کفت : _ شابد . . .

هنوز آین صحبت وا تهام انکرده بودند که برد: غليظمهاز إثر بإدشيانه ذريده شده ستاره ها با درخشندي گیام ظاهر و تمایان آردیداد هامس جیق خود را چاق سرده باجهار آبویت نائل باکش زد ن آن شد وس از با خر آت آرده بېك نفر آقا كه در ازدېكى او ايستأده بود كانت كم كبريت از او يكيرو 🌾 📜 📩 آة غندك خود وا از جيب در اورده روشن ا در حضور أو حاضر همتم

ماد موازل : - حاید ولی خپلی ذور فراموش کرد در وود:آنیاد خبرلولاهلمس ارسنلودان راشناخت وليس الكليسي يدون هيجكونه اظهار تمجب فج عقب وفتها قواى خود را حنظ كرده و با كال ارامي دست خود رايسمت الرسن لويسن دراز كرده بمدمن خود كانت : إلشاء الله حال شما خوب است مسبو لونين لوين كفت : ــ افرين . . احسنت ا هامس کامت : - برای جه افرین ا لوَبِن كَمْتَ : "- خِطُورُ إَرَاى جَهُ أَو أَمِحْمُمُ خُودُ

اللود را در اب الداخلي

هلمس کفت : _ بِلهُ بِا ان قدر اژان و مردم لوين كفت : ـ يا وجوداين من الاف اينجا

شماره ۱۱۴

المناقفة والمحال

در ابران ترببت طفل عبوما از سن بنج شروع من شود و تا من توالند افظه اش ۋا يور مى كىلند .

پروکرام مکتب که زمان و مکان هیچ نهبیرش اداده - عیارت است از العلیم عم جزو بمربى و قدرى سهاق ايرامي بها معلم خود را مسخر . مي كنند . حقيهم دارند . جهل این معلمین باندازه ای است که تصور می کنند منالا اطلس اسم یک شهری است الكاستان عبارت است از لندن

ولى احسكر معلم ابن قدر بي شواد است تقمير از خوه أيرالي ها است : به بد تربن رضمی به مسلم حقوق می دهند - عموما هم عوض بول اقد جنس داده

معلم هم قدر می خواهد: رمکلب چوب میزند و البا اسلیمی که در خانه بیما کرد. مكتب مى دهند ابن است كه جوب استاد حكم يرك كل داره Star 🖉 الما از طنلی حکه جوب خورده باید پرسید در این پاب هقیدهٔ ات چیست

مَعْدَالَك تُصور الكتيد تدام مسال وا شاحسكرد كار مي آند و هيم الديعي بدارد ، كا يخواميد در ايران تسليل من كنند ! ومن بازي هاهم مثل الك دولك " ، بادای بازی ـ کرکم به هوا معمول است · بالاخرة بايد كنت كه در سنوات أخيره - در شهر ها يوثى أذ تعليم و قريبت

به منهوم اروپالی کلمه - برده اند د مارات و اخلاق ایرانی ، الیف (سریرس سایکس) .

an in the state of the second second second واضع است که این عقیده واجع به اسول سابق ومکمب دار های گذشته است ولى يد يختانه عنوز هم در اغلب تقاط ايران مكتب يطرز قديم معول است .

دیدی که من در سن غوطه خوردم و یا استقا مت خاص الكابسي كه در ميسان شما ها هست ابدأ يك كاسه لعجب بردهان خودتهاورد بداحسنه واثما شابان تحسين است هامس كَفَتْ : - وَقَتْنَى شَمَا أَزْ قَابِقَ إِفْتَادِي من فهميدم كارله اژان بشما تاثير فكرده تهود يلكه باختيار

الوین کفت:-الوقت مرا کذاشتی و رفقی . که دوطرف ودخانه ایستاد. بودند دیگر اختیاج پس تیود

ملمن كلت ؛ بـ المنبو لوين حالا ديكر سليخ کارل میان من و تو پر قرار شد دو نفر آدم هستند درعالم که واقعا اعجوبه هستند الدوانر یک منم ویک نو " " there a subsequence range limit and the set of the set خلاصه دو حريف از در اشلی يا هم محبت ما لمودند لوین میدانست که زرای و عملیات هلیس در كشف الماس أبي و جراغ يهودي جدهر يوده أست مخصوصًا در دوم، ملقها هلمس پرای تطریاتی تمی خواست وقايع تجراغ يهودىرابكسى بكويد برأى آن 6 مقسس والمى راكة زن بارن أبودة مشرف تتمسايد من ا · باری بعد از سمبت های درستانه هامس ازآرسن لوين پرشيد جلور فرار كرهه است ا شينه الله ا اوین کفت ا کر اسم این را فراد می خواهی بكدارى بابن قسم كه رفقاى من براى آن كه بسايند جراغ وا از همان جا که برسن نخفی کر د. بو د باس داداد آنماً هم در کناد سن بودند آزان ها که در صدد برداد بانين ار از جربان آب امش مرا بيايند خوب ملتنت تشدادهن از ازدیکی رفتایم س از آب پرون آورده آن هامرا کمرفله إسرعت دو آلمو میهل



مرد آزاد ا قربالى هاى رول تأديه ميشود با لمضاعف تفر بوده درسورای که هنته قبل ٤٩د٤٠ راً بمداخل خود فلق خواهد كرد نەر يۈدە است 🐇 📜 🗠 كردد (لُبَّة م) الأردين ا ÷()) 🖗 منتجستر کاردین ۲۱ ژوأن ۱۹۷۳ بولن حد در جلسة إمروز دايشقاك در روهر مهجان هندوستان کو او رئیس الوزرای آلمان امانی راجع آعزام ألومهل سلح خبر وأسله از (دوز لارف) اشتارس وه وركروم سيأست خسارجي آلمان ايراد ے **ا**کله ۲۱ ژوان – براسطه شدت دارد بهمي بي بالحد سله قدون برلماب كفله امود در إن اطق مدا البه كموابات ها مملیات بك دسته جا ای د ر سنج اب چند دستکا. در الليجة بتشنفر زن و إك إجه مجروح كشته فريادهيزداد : دورشكمت امش زادمه مغاش الومييل مسلح يراى مساعدت قواى ساخلوى الد - مقصر هنگام ف-رار تعقبب و دستگیر جمهوري ستياسس. اطق كولورسما ابن حقيقت یه (جولوندور) اعزام کردیده .از نقله سیکر دید . را الثيد المود كالمان تبايد دراين ازد يكبها اخبر الذكر تبز الحلاع حاصل شده است ()) که در اوساع انجا پهیودی پدا خواهدشد ألستظارى از الكاس داشته باشد براى حصول (دراكسلا شابٍل) مه تفر الياني عبكوم موافقت با قرائسة اميدى باق تسائده زيرا بشرط افکه بتوان روستانهان را بوظائف و بعد و باج الله دایگر تحکوم بعد الهای مدأولبت های خودشان آشنا ساخت کعداد قرائسه تسليم صرف المان واطالب است معظمانة حيس از ٧٠ الى ٣٠ سال كرديده میارزمدر رور ادامه خواهد داشت حکومت جالمان جمعا وألغ ير هشتصد لفر ميباشد و ملتش متسل بكنف ضاحب منعب ح زء و از این عده یک سدو هشتاد افردستگیر كا في السأيق با نظار منفى بمسئله ميارز. بازیک درمجاورت (دو نیز برك) بوده است کردیده ۱۱د . مقیده عموم بر آنست کاهر مستقهم مینکرد (ب ۰ م) كا. حكومت بلجاب وظيفه خودرا ميدالست دوس و انکایس · کیلنز – درنلیجه یسی که در (دوز و مطابق آن رفتار میکرد به جو جه لازم خبر وأسله از مسكو اشعار مبدارد لأرف الداخله شد ايأب و دماب بين أراض اليود از دهاليان أمنا شود بر طبق،ظائف کمیسری امور خارجه یا داشتی به هبتت خويش عمل تماثيد * حكومت ينجاب أعلام متفرقه و غبر متفرقه كامدت يك هفته قدغن اعزام الكليس كليم الموده و در أن بأيراد كردم است كه يدازمالدكان مقتولين كه سه اس عدة است ، التوج والمحالي الخوار ال بېش نېرده اند ملک و حقوق لقاعدىدېدې وزازت امورخارجه انكليس التصاب راسكوسكي er (3) to a frequencial خواهدند . المراجع . المراجع يباي كراسين) اعتراض كرد ، و اظها ز مربعة القلابي أراجع به بيرق القلابي أز داشته است صحت و سقم بسنی کا ر ها جرائد المان اشار مىدارند كاستماى ایلات مرکزی به (جاندور) واقعه درینگاه ر) تميتوان معلوم تدوده علاوه بن أيهن الح سرايت أرده و درالجافةطيواسطه مخالفت صدر أعظم المان قريب الوقوع است از کاپنچه های سار ی شکابت ازمشار البه رؤسای اخراب جع شده وقد و مثقول با حكومت دراسه تقته بر افراشته شده . درمامه ويعنى بدراز أن بإد داشت كغير أميز طرح تشكيل كاينه تهديد و انتخاب وأيس علاوه بر ابن به کراچن و باره تقاط بهیشی الكلستان نوشته الدم است (() ايز سرايت كرده و دو شهر أخيرا الذكر الوزاء حسطة و اين رئيس الوزراي حديد دستجامى باسم طرفداران هرق كنكره شكيل موسوم به (استرسی من) است وطرفد ار و بناست به (نا کېرر) اعزام کند . المطبوع**ات حارجب** الحاد مينظيم با فرالسه أست (ب • ب) ا بك المر ديكر إز عمال اشتراكبون مران قروض جارى دولت إلمان در در (لاهور) دستاگیر شده است 🖉 ی عدہ پیکاران انکلیس ۲۰ ژویه یا انع پر پانسد و حقیقاد و حشت مارابك يـت ٢٢ دولن ١٩٢٣ _ وزار*ت* _ مشاغل اعلام کرد<u>،</u> است طهران -فر لپون مارك وميد. است بك مارك مايدات که در اربخ یازدهم زوئن تعداد کابهاشخاس در مقابل چپل مارك مخارج است زندكالس تلريس بهی کار در انکامتان بالم بر ۱۹۷ را الله ماد ورية : ٣٩٢ السيت بماء وون اساله بوده در صورکی که عدد بی کاران بك ئدہ است (ب ۰ پ) انكليسى وفرانسك حفقه قبل ۵۳ و۹ الفر آستر و هفقه قبل بحران كابينه ألمان از آن ۸۷۸٬۸۸۸ نفر بیشتر برده است در قرائت خالة فردوسي عصر ها درسامات الران - جرالد اشار مبدارند کمکمکن ممينه مراتيا اوسط معلمين آزموده باليكو ـ عده اشخاصی هم تا چارکمتر از أتظليني أدر محاقل بأراباني حكمقرها است ارين الوي فرالسه ، انكليس فارس الدريس ساعات معموله کار میکنند و دولت بالها مدد امتناع موسيا ليست ها أز أستر دادعدم ميشود 👘 👘 مېثت ارتي خواهان زراشتې

👻 🛒 بهترین غذاها و نافع ترین دواها است برم فردی لازم و واجب است که برای حیآت و زندکانی بدن خود رافوی دانته خصوصاً أشخاصيكه داراى استعداد مزاج كسبى و ارتى براى أخذ هركوته أهراض حاءه و مزمنه مبياشتد - إشخاص آلمبك (تم خوثی) ـ مخدوات مي أزوَّضم حل ـ زنأن شيرده 🗠 الهمال ضعيف وغيره وغيره .

اوماليتن

. لازم است که عموم در صدد ایر آمده بوسیله دوای مجربی بدن را قوی د اشته و کلوپولهای قربن خون که اشکر بدن محسوب می شواند. بوسیله آن دوا اضافه شده تا بدن در مقابل میکرویهای خارجی که عیارت از دشمن بدن است مقاومت آموده مصون بالد از ابدرو باسدای رسا ورتداو وت ممل ها

ال مالمسلم ، دارای ارکبان طبیعی است سه دسته بزوك مواد غذالی که پرای حبات آنسانی لازم آست دربردارد – انفهبن را بواطه آثار مدمده خودفریه مینماید خوالینی که پس ازوضع حل دجار بی خوان ویریده راك ، یکردند یواسطه استعیال اومالیت خود يدن أنها زيادكيته سرخ روكونه ما كلى وتك سورت بدأش وفريه ميشوند - أف ماليدق شیر زنان شیرده را زیاد میکرداند ودر شدیر اثرانی بعثید. که اطفال را قوی میتسهاید بمنصوص موقع رشد و أدو اطفال استعمال او ماليتن استعفوان آلها را عمكم مهكرد ود. يراى المستام محسل محسوساً آلها أيكم يسطالمه كعب و أالثاء مقالات مشتولند ووحامة عى ودولى آلها ويد است العمال أو والمندن المبار لازم است المواد غنوري كدماغ بمصرف ميرساند بدل مايلخلل أموده وقوه حافظه وا الكه داري المابد .. بمراي اليات ابن مدما والرابية معجز نياى المن عوا از اعمناسيكم اوماليتن را أسلسال لموده لحقيق كا اثرات آد مکدوف کرده - حل تظر به تدایج عبکونی که این دوا در دیم اروبا ظلم ا ساخه و قب الا هم در ایران عل توجه بوده لی اخانکا دیاسد شی واده اموده و بهم و طنان خود مزده مبدهند که برای جنط قوای دمانی روحی بند و مشون بودن از بسن امراض العسل **الى مالدنن ا**بسبار لازم و منيد غرامسه ووه

لواحاپاستور خيابان چراغير ق لمرد اعلان ۱۲۹ - ۲۰

يمدوم آقايان دوا فروشان مركز و ولايات اعسلام من شود كه نجسادت خاله عبد اقد بير زاده نماينده كار خاله هاى دوا سازى فرانسه در ايران از اين كاريخ به يعد خود را برای الجام من نوع فرمایشات جانبر تعوده و پواسیله دارا پودن وسایل بزرای و تبغمص در قن شیههایی دواجات امره اول وارد و بقیمت بسبار تازل بقروش میرساند سَفَارِشُ أَزْ تَمَامُ وَلاياتَ فَيُولُ وَ إِنَّونَ حَقَ السَّى فَوَرَأَ أَوْسَالُ مَبْدَاوُدُ ضَمَنْهُ خَاطَهُ أَظَانُ الجار عدة فروش را مستحضر ميساؤد كه اين لجسار الخالف سفارشات مستقيم به كار خانه هاى فرانسه فيز قبول بي تمايد ، عنوان مراسلات : طهران عبد الله بير زاده ، الهرس تا کرانی : طهران سأحب تلفن : بازار امره ۷۷ - عبد الله بد زاده

o - Y

بورس

شركت مطبعة مذن

فرالك

1---

14-10+

¥4 _0.

YET - 1

VE - Ve

*1. _Yo

خبر مهم

شار ۱۱۳

فروش باريس المحريد ا طهسران قران قران 🗄 الدن الندن مكتوبي ٩٠ ٢٣- ٤٤ - ٤٤ / ليويورك 11-0. 11-ه الكرابي JUT 0Y -ياريس بازيك 144 ---اسياتى -ويس 44.1 9 - A+ - 9_0+ لنوبورك Y47 - Y4+ -سويس دو به بسلی

تمره أعلان ١٢٣

راجع بع حب ترك تر داك از قرار مسموع بعنى از ممتادين كه مايل استعمال اين حب هستند يواسط.» نوشتن اسم در دفتر امتناع دارند به تصورا بنکه شاید اسمشان در جرافد درج شود چون توشتن اسم فقط برای دااستن تاریخ شروع خوردن حب است از ابن به بسعد توشتن المراجع المراجع المراجع المراجع المنامي اسم را دوا خانه موقوف میدارد المر. أعلان • ١٣٠ 1 • - 1 . . .

دواسطه باره ولا خطانت نام نامبلی خویش (اشراف) را تبدیل به (وسالی) کردم 🕅 محمد على وسالى قارغ التحصيل دارا لغنون. المزه أعلان ١٣١

مناسب بفروش مدرسد ، طاليين يمتازه مسبو ابراهنم سلمانى حيابان لاله زار وجوغ فرمايند Y 19 Y 1 1 the states المرة أعلان ١٢٧

فروس

یک عدد کمنآورجراغ پرق ۲۷۰ ولت ده امپر با یک عدددور بین زیس امره ۸ به قیمت

مماش مىردهد دركاريخ ١٩ ژوئن • • ٢٠٧٢

straction and a

رئيس الوزراء البرت از مسيو (امترمیمن) بذیرانی امودهاست (ب • ب) براءل ٢ مميز (الله ويسرأ كميز) اماینده سایق در کنترآنس سلحو در مجمع الفاق ملل يسمت وياست جمهورى يركناك انتخاب کردید. امت (ب . پ) افکار مامه الیان به عاقبت روز کار مارك بی بردة و اظهار كثويش ميكند جرائد اليان يبعنهاد مبكنند كه يول ثابت جديدى أيجاد قود يواسطه تحديد افلاس مالى حكومت لوائع باليالي زيادي لدوين تموده كالماليات ها وا سه پرایر زیاد و اقساط حسکه پرای

اكتاف برلن كمركز بافته أقد سيتن مائي كم يمناسيت اعياد مشروطيت المان مييايستى قر (اوی مار) کرفته شود موقوف شده ارت از تقالمرات جلو کری شده است

اعتماد خودنسيت بكابينه توأيد بحران لموده

جندين دسلجات فشوعي قر إط-راف و